تقویم شمسی تاریخ اسلام
قسمت اوّل

علی زمانی

امام جعفر صادق علیه‌السلام

امام صادق فرزند بزرگوار امام محمد باقر علیه‌السلام روز دوشنبه یا جمعه ۱۷ ربیع‌الأوّل یا اول رجب سال هشتاد(۸۰) هجری، و به گفتهٔ کُلینی و مفید، و بسیاری از مورخان اهل سنت به سال هشتاد و سه(۸۳) هجری، دیده به جهان گشود، از اینرو این قول(۱۷ ربیع الأوّل ۸۳) نزد شیعه عنوان مُشهور را به خود اختصاص داده است [1].

به گفتهٔ قزوینی: زاد روز امام صادق علیه‌السلام در ۱۷ ربیع‌اوّل سال ۸۳ نزد پیشوایان معصوم علیهم‌السلام تثبیت است، و آنسان که خداوند تعالی روز ۱۷ ربیع الأول را زمان ولادت پیامبر بزرگوارش صلی‌الله‌علیه‌وآله اختیار فرمود، همان‌گونه نیز این روز را جهت ولادت امام صادق علیه‌السلام قرار داد، چراکه بیش از سایر پیشوایان بزرگ، دین جدّش را نشر داد و بزرگترین مدافع شریعت گردید [2].

بر این اساس، زادروز رئیس مذهب بنا به روایت مشهور(۱۷ ربیع، ۱، ۸۳) ۲۹،۱۳۴ روز از مبدأ هجرت گذشته و به امر وسط برابر با دوم اردیبهشت سال ۸۱ (۸۱/۲/۲) شمسی است.

گفتنی است که تولد پیامبر وامام صادق علیهما‌السلام هر دو در ربیع‌الاول واقع شده و هر دو نیز در برج اردیبهشت قرار گرفته است، زیرا نگارنده قبلاً تولد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را به امر وسط روز یازدهم اردیبهشت محاسبه کرد، و اشاره شد که برخی از تاریخ‌نگاران همچون خوارزمی نیز به نقل یعقوبی تولد پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله

---

۱) مجلسی، بحارالانوار، ج۴۷، ص ۱ و بعد - سید محسن امین، اعیان‌الشیعة، ج۱، ص ۶۵۹.
۲) سید کاظم قزوینی، موسوعة الإمام الصادق، ج۱، ص ۱۵۸ ، نشر بصیرتی، قم ۱۴۱۴هـ ق.

را در درجهٔ اول ثور (برابر با اول اردیبهشت ۱/۲-) دانسته است[1].

مادر:

مادر امام صادقؑ **«اُمّ فروه»** فرزند قاسم بن محمد بن ابوبکر، و نام مادر ام فروه «اسماء» دختر عبدالرحمان بن ابی بکر است، از اینرو مورخان خاطرنشان ساخته‌اند که امام صادقؑ فرموده است: ابوبکر دو مرتبه مرا زائید **«ان ابابکر ولّدنی مرّتین»**[2].

رشته‌های دانش امام صادقؑ

امام صادقؑ از خلافت امویان، زمان هشام بن عبدالملک تا پایان. و از خلافت عباسیان تا ده سال از حکومت منصور دوانیقی را در قید حیات بود و در بُرهه‌ای از دوران کشمکش و جنگ میان امویان و عباسیان فرصتی یافت تا در رشته‌های الهیّات، تفسیر، فقه، حدیث، کلام، جدل، انساب، لغت، شعر و ادب، شیمی، تاریخ، نجوم و... تحوّلی شگرف پدید آورد، شاگردان توانمند و فراوانی تربیت کرد و آثار چشمگیری به جای گذاشت، وی بنیانی استوار بر شاخه‌های علوم پی‌ریزی کرد که تا این زمان هر روز فروغ آنها تابنده‌تر و فروزانتر از پیش می‌گردد.

نگارنده به مقتضای موضوع مقاله، کاوشی در افکار هیوی و نجومی آن فرزانه و یگانهٔ دهر خواهد داشت.

هیأت و نجوم از دیدگاه امام صادقؑ

امامیّه بر این باورند که پیشوایان معصوم، دانش اولین و آخرین را دارا هستند. دانش آنان از راه آموختن، کسب، تعلّم، و فراگیری از استاد نیست، بلکه از نوع **«علم لدنّی»** است، از این نوع دانش در قرآن مجید به کرّات اشاره و یا تصریح به میان آمده و خداوند آن را ویژهٔ پیامبران، اوصیاء، حکیمان الهی و اولیاء خود قرار داده است، چنان‌که علم تأویل رؤیا و احادیث را به حضرت یوسفؑ ارزانی داشت و فرمود: **﴿وَ یُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِیلِ الأَحَادِیثِ﴾** (یوسف: ۱۲). **﴿وَ لِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِیلِ**

---

۱) درسهائی از مکتب اسلام، سال ۳۲، مردادماه ۱۳۷۱، شمارهٔ ۴، ص ۴۷ و بعد.

۲) تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۷.

﴿الأَحادِيثِ﴾ (یوسف: ۶) و درباره حضرت خضر(ع) فرموده است ﴿وَ عَلَّمْناهُ مِنْ لَدُنّا عِلْماً﴾ (کهف: ۶۵) «ما از نزد خود به او دانشی آموختیم» و به حضرت داود(ع) روش ساختن زره آموختیم ﴿وَ عَلَّمْناهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ﴾ (انبیاء: ۸) و به حضرت سلیمان(ع) منطق طیر آموختیم ﴿عُلِّمْنا مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾ (نمل: ۱۶) و به حضرت عیسی(ع) کتاب، حکمت، تورات، و انجیل آموخت ﴿وَ إِذْ عَلَّمْتُكَ الكِتابَ وَ الحِكْمَةَ وَالتَّوْراةَ وَ الإِنْجِيلَ﴾ (مائده: ۱۱۰) و حضرت عیسی(ع) توانست از آنچه در خانه‌هایشان می‌خورند و آنچه ذخیره می‌کنند، خبر دهد. ﴿وَ أُنَبِّئُكُمْ بِما تَأْكُلُونَ وَ ما تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ﴾ (آل عمران: ۴۹).

همچنین می‌فرماید ما به حضرت لقمان حکمت دادیم ﴿وَلَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الحِكْمَةَ﴾ (لقمان: ۱۲) و به حضرت رسول مکرّم اسلام(ص) از نزد خود ذکر دادیم ﴿وَ قَدْ آتَيْناكَ مِنْ لَدُنّا ذِكْراً﴾ (طه: ۹۹).

بر این اساس در احادیث می‌خوانیم: حق تعالی علم نجوم و دانش پزشکی را نخست به حضرت آدم(ع) آموخت «إِنَّ اللّٰهَ تَبارَكَ وَ تَعالىٰ اهبط آدم من الجنّة و عرّفه علم كل شيءٍ، فكان مما عرفه النجوم و الطب» محدّث بزرگوار اسلام مولی محمد باقر مجلسی(ره) حدیث دیگری در این زمینه بیان کرده و نوشته است «النجوم هي علم آدم» *علم نجوم همانا دانش حضرت آدم(ع) است.* ابن ابی عُمیر راوی بلندمرتبه گفته است: پیامبر اسلام(ص) فرمود: علم نجوم را فراگیرید تا در تاریکی بیابان و دریا راهنمایتان باشد [1].

پس از حضرت آدم(ع) آن‌گونه که از اخبار و احادیث به دست می‌آید، حضرت ادریس(ع) بیش از همه به این دانش آگاه بوده است، و حق تعالی او را مأمور به تنظیم، روز، ماه، سال کرده، چنان‌که در دعای رجب می‌خوانیم: «و معلم ادريس عدد النجومِ والحسابِ والسـنينَ والشُهورِ والأَزمان» [2].

داستانی جالب

مولی غلامحسین جونپوری شیرازی، صاحب زیج مشهور بهادرخانی که یکی از دقیقترین

۱) بحار، و اعیان الشیعة، همان جا، بحار ج۵۸، ص ۲۷۵.
۲) بحار، ج۵۸، ص ۲۴۵ و ۲۷۵.

زیجهای شناخته شدۀ جهان است، در کتاب «جامع بهادری» گفته است محمد خضری در شرح زیج ایلخانی تألیف محقق طوسی(ره) (که از دست‌آوردهای رصدخانۀ مراغه است) نقل کرده است: نخستین کسی که در حال کواکب نظر کرد، آدمعلیه‌السلام بود وی در قلّۀ جبل‌القمر مقیاسی قائم نصب کرد و سایۀ آفتاب را رصد می‌فرمود، تا هر روز که سایه به انتهای کوتاهی می‌رسید، می‌دانست که نیمروز گشته است، او از صبح تا نیمروز به فراهم آوردن ثمرات خوردنیِ کوهستانی کوشش به عمل می‌آورد و چون وقت نصف‌النهار می‌رسید آنها را به مسکن و مأوای خویش برای فرزندان می‌برد.

نیز هرگاه کوتاهی، بلندی و نابود شدن سایه را مشاهده می‌کرد، تا بار دوم به همان حالات می‌رسید، می‌دانست که آفتاب به وضع اول خود رسیده است. و چون بین یک دوره حالات یاد شده را محاسبه کرد متوجه شد که سیصد و شصت و پنج(۳۶۵) روز است، و دانست که آفتاب در این مدت، یک دوره تمام می‌کند.

همچنین حضرت شیث و نوحعلیهما‌السلام در حال آفتاب و کواکب نظر می‌کردند، تا آن که عهد ادریسعلیه‌السلام فرا رسید، آن حضرت علم رصد را رونق بخشید و حرکات جمیع سیارات را (از ناحیۀ مقدار و جهت ـ معلوم کرد، بیشتر ویژگیهای کواکب را دریافت و علم نجوم از وی در اطراف گیتی منتشر شد [1].

بنابراین علم امام صادقعلیه‌السلام به هیأت و نجوم بر پایۀ وراثت و لدنّی است. لیکن گروهی از دانشمندان معاصر که در غرب دربارۀ آن حضرت به کاوش و پژوهش پرداخته‌اند، بر این عقیده‌اند که او، تنها شاگرد امام باقرعلیه‌السلام بوده و تصریح می‌کند که امام جعفر صادقعلیه‌السلام روزها در کلاس هیأت و نجومِ پدر بزرگوارش شرکت می‌جست، آنان داستانی را دربارۀ آن حضرت نگاشته‌اند که خلاصۀ آن چنین است:

دیدگاه دانشمندان غرب

محمد بن فتیٰ یکی از مریدان امام باقرعلیه‌السلام که از مصر مراجعت می‌کرد، یک کُرۀ جغرافیائی را که با چوب، و بهتر آن است که بگوئیم با خاک چوب ساخته بودند، به ارمغان آورد.

---

۱) اقتباس از دروس هیأت استاد حسن زاده، ج۲، ص ۶۸۲، نشر دفتر تبلیغات اسلامی.

کرهٔ مزبور به شکل یک پایهٔ مُدوّر بود که یک کره روی آن قرار داده باشند، آن پایهٔ مدوّر «زمین» به شمار می‌آمد و کره‌ای که روی آن قرار داده بودند، آسمان بود. و روی آن کرهٔ آسمانی، مجموعهٔ ستارگان بر طبق آنچه بطلمیوس در قرن دوم میلادی گفته بود، به چشم می‌خورد.

بطلمیوس برای ستارگان آسمان که در زمان او با چشم دیده می‌شد، چهل و هشت(۴۸) تصویر در نظر گرفت. بنابه گفتهٔ وی در جهان مجموع ستارگان ثابت، چهل و هشت مجموعه بود که هرکدام یک شکل داشت.

روی آن کرهٔ آسمانی شکل هر مجموعه راکشیده و اسم آن را با زبان مصری نوشته بودند، در آن کرهٔ آسمانی مجموعه‌ای از ستارگان از حمل [= برج فروردین] تا حوت [= برج اسفند] یعنی از بره تا ماهی چون کمربند، آن کره را احاطه می‌کرد و خورشید را هم در آن قسمت از کره رسم کرده بودند، تا این که نشان بدهند که خورشید هر سال یک مرتبه در آسمان از آن منطقهٔ کمربندی عبور می‌کند.

از خورشید گذشته، ماه و سیّارات هم درکرهٔ آسمانی به چشم می‌رسید و سیّارات هم مانند خورشید و ماه اطراف زمین می‌گشتند.

خلاصه، در آن کره آسمانی مرکز دنیا «زمین» بود و خورشید و ماه و سیارات اطراف زمین گردش می‌کردند.

امام صادق علیه السلام با این که کودک خردسالی بود بر جغرافیای بطلمیوس ایراد گرفت و گفت: اگر خورشید سالی یک مرتبه در مدار خود در اطراف زمین می‌گردد، و خط سیر آن دوازده برج است، و در هر یک از برجها سی روز مقام دارد، و مدت سی روز طول می‌کشد تا این که یک برج را بپیماید و وارد برج دیگر شود، پس چرا خورشید در شب از نظر ما ناپدید می‌گردد و هر صبح طلوع می‌کند؟! و اگر در هر برج سی شبانه‌روز مقام می‌کند، بایستی ما پیوسته آن را ببینیم؟!!

شخصی که کرهٔ آسمانی را آورده بود، گفت: بطلمیوس می‌گوید: خورشید دارای دو حرکت می‌باشد، یکی حرکتی است که در منطقهٔ البروج دارد و سالی یک مرتبه از دوازده برج می‌گذرد [حرکت خاصّه] و اطراف زمین می‌گردد. و حرکت دوم خورشید حرکتی است که در پیرامون کرهٔ زمین دارد [حرکت اولی، یومیّه] و در هر شبانه‌روز یک مرتبه اطراف زمین می‌گردد، و در نتیجه ما هر بامداد، طلوع، و هر شامگاه غروب آن را می‌بینیم.

امام جعفر صادق علیه السلام گفت: امکان ندارد که این دو حرکت با هم جفت شوند، چون درحالی

که خورشید در منطقهٔ البروج [مدار سالانهٔ خورشید در حرکت ظاهری] مشغول گردش است چگونه آن را ترک می‌کند تا این که اطراف زمین گردش کند؟!

آورندهٔ ارمغان گفت: خورشید در شب منطقه البروج را ترک می‌کند تا این که دور زمین بگردد و بتواند بامداد از مشرق زمین طلوع کند.

امام صادق علیه‌السلام گفت: از این قرار آفتاب فقط روزها در هر یک از برجهای دوازده گانه است، چون در شب بایستی به قول تو آنجا را ترک کند و چرا در موقع شب ما خورشید را نمی‌بینیم؟!

آورندهٔ ارمغان گفت: شاید در موقع شب حجابی روی خود می‌اندازد تا دیده نشود. تازمانی که امام جعفر صادق علیه‌السلام آن کرهٔ آسمانی را دید تقریباً (۵۶۰) سال از زمان مرگ بطلمیوس می‌گذشت، و تا آن موقع کسی به فکر نیفتاده بود که بر آن ایرادی بگیرد و بپرسد که گردش آفتاب به دور کرهٔ زمین با خروج از منطقه البروج، از لحاظ عقلائی قابل قبول نیست، و او متوجه شد که سیستم نجومی بطلمیوس موردایراد می‌باشد و نمی‌توان آن را پذیرفت.

هزارها دانشمند در مشرق و مغرب عالم نظریهٔ بطلمیوس را خواندند و اشکال آن را نفهمیدند و عقل امام صادق علیه‌السلام در آن بیش از عقل علمی همهٔ دانشمندان مکتب اسکندریه و علمای سایر نقاط جهان بود.

آنچه امام صادق علیه‌السلام راجع به زمین و آفتاب گفت ـو به‌طورعلنی بر زبان آورد ـ اگر در اروپا بر زبان آورده می‌شد. کوچک‌ترین نتیجه‌اش این بود که گوینده را تکفیر می‌کردند و از جامعه طرد می‌ساختند.

علت اصلی ظلمت علمی در اروپا ـدر قرون وُسطیٰ ـ و توسعهٔ علمی در کشورهای اسلامی در همان دوره این بود که در اروپا اهل علم برای ابراز نظریه‌های علمی آزادی نداشتند، در صورتی که در کشورهای اسلامی اهل علم می‌توانستند با آزادی، نظریه‌های علمی را ابراز کنند، و نور علم با این که از مشرق به اروپا می‌تابید تا مدتی نتوانست بر ظلمت آنجا غلبه کند و طوری فضای علمی اروپا تاریک بود که روشنائی شرق فقط قسمتی از آن را که پزشکی باشد، روشن می‌ساخت. و در اروپا هیچ استاد پزشکی وجود نداشت که اُرجوزهٔ ابن سینا را، (ارجوزهٔ ابن سینا در هزار و بیست و شش بیت عربی مجموعهٔ طب به اختصار گفته شده بود) در متن لاتینی از حفظ نداشته باشد، اما اجازه داده نمی‌شد هیأت و ادب وارد اروپا شود.

امام صادق(ع) که بعد از پدر دارای محضر درس شد در مورد نجوم نظریه‌هائی ایراد کرد که باید گفت اگر او پیشوای تجدّد در همهٔ علوم نباشد، در نجوم پیشوای تجدد است. و منظور از تجدد، عصر تجدد می‌باشد که مبدأ درخشندگی علم در اروپا است.

باید تصدیق کرد که دنیای اسلام برای تجدد علمی خیلی پیش از اروپا آمادگی داشته است و سعهٔ صدر اسلام حقایق علمی را می‌پذیرفته در صورتی که اروپا قدرت تحمّل آنها را نداشته است و در بین حقایق علمی که اروپا تاب تحمل شنیدن آنها را نداشته، هیچ‌یک غیر قابل تحمل‌تر از حقایق نجومی نبوده است [1].

اشکال فوق بسیار قوی و جدی است و هیأت بطلمیوس (مدل زمین مرکزی) هرگز پاسخی برای آن نمی‌تواند پیدا کند. زیرا دو حرکت «اولیٰ» و «خاصّه» در دو منطقه قرار دارند وامکان جمع بین آنها هرگز پذیرفتنی نیست، یعنی تنها ۱۵ میلیون کیلومتر فاصلهٔ شعاعی و خطی آنهاست لیکن نگارنده تاکنون مدرکی بر اشکال فوق پیدا نکرده و محمد بن فتیٰ ـراوی خبرـ را هنوز نتوانسته شناسائی کند. افزون بر این که به چنین حدیثی هنوز دست نیافته است.

برخی از معاصران نیز نوشته است: کتابی پیرامون شخصیت امام صادق(ع) به قلم گروهی از شخصیت‌های علمی غرب به نگارش درآمده و به زبان فارسی و عربی برگردان شده و ترجمهٔ عربی آن به نام «**الإمام الصادق عند علماء الغرب**» است. در این کتاب شرح کافی پیرامون ویژگیهای امام صادق(ع) به قلم آمده و به راستی در امور فراوانی منحصر به فرد است ولی چون مصدر و منبع ندارد، قابل اعتبار نیست [2] لیکن این احتمال وجود دارد که در آینده به منابع کتاب مزبور دست یازید و دریچهٔ روشنی باز کرد و افق جدیدی پدید آورد.

باید به این نکته توجه داشت که بیشتر کتب و منابع خطی مسلمانان از کشورهای اسلامی خارج شده و در کتابخانه‌های کشورهای غربی نگهداری می‌شوند و دانشمندان غربی به این نوع کتابها دسترسی دارند.

---

۱) الإمام الصادق فی نظر علماء الغرب، از ص۸۵ تا ۱۰۲ به کوشش نورالدین آل علی، استاد ودیع فلسطین، ط ۲، دار فاضل دمشق، ۱۹۹۶م – مغز متفکر جهان شیعه از ص ۳۶ تا ۱۰۸.

۲) موسوعة الإمام الصادق(ع) ج۱، ص ۱۶۳.